

# بانوی برتر

کاوشی در شخصیت بانوی اسلام فاطمه زهرا (س)  
(کمتر ناگفته‌های مفسران نامور اهل سنت در باره فاطمه (س))

محمد مرادی

چکیده

این نوشته بر آن است تا با بررسی تعدادی از تفاسیر اهل سنت به برخی از دیدگاه‌های مفسرانی که در آیاتی به جز آیات مشهور نازل شده در شأن اهل بیت و از جمله فاطمه زهرا (س)، پردازد و عظمت و جایگاه آن بانوی بزرگ و یگانه را بررسد. کلید واژه‌ها: فاطمه زهرا، مفسران اهل سنت، مقامات دنیوی فاطمه، مقامات اخروی فاطمه، جایگاه علمی فاطمه.

مقدمه

اولین اثر فرهنگی و تمدنی جهان اسلامی، حدیث نگاری است. از برکت شروع نگارش حدیث بود که دیگر آثار دینی و فرهنگی و فکری اسلامی مانند تفسیر و تاریخ و فقه و کلام روید و جان گرفت و بالید و نقش آفرید و انسان‌های شایسته‌ای را به خود دل بسته کرد. در میان آثار پیشینیان ما، بخشی از نوشته‌های حدیث نگاران و یا تمامی آنها که به کتاب‌های دیگر راه یافته، به ذکر فضایل نبی گرامی و خاندان آن قافله سالار عشق دین، اختصاص یافته است. و این از آن رو بود که بخشی از آموزه‌های دینی؛ چه در قرآن و چه در کلام پیامبر، به این موضوع ویژه شده بود و نیز از این رو بود که آدمیان به خو و

خصلت های برتر انسانی، توجه ویژه دارند و برایشان انسان های شریف، بزرگ، صادق، درست و آسمانی، ستودنی اند و شایسته پیروی. خاندان پیامبر این ویژگی ها را داشتند و از آنجایی که پیشوای دینی مردمان و الگوی رفتاری یک انسان مسلمان بشمار می آیند، مؤلفان نیز بر خود فرض می دانستند که این جنبه از حیات آن بزرگان را در نوشته های خود بازتاب دهند تا به دو منظور و مقصود تألیف خود، جامه عمل پوشانده باشند.

ذکر این فضایل، اگرچه بعدها مایه پاره ای کشمکش های کلامی و عقیدتی و نیز علمی شد، و در عین حال، مبالغه گویی و غلو در شخصیت های مورد احترام را به دنبال داشت، و کسانی را واداشت که به گزاف، در باره نااهلان فضیلت تراشی کنند و أحياناً در باره شایستگان زیاده روی نمایند و سنتی نادرست هم نهاده شد، اما در جای خود، نشان و علامت و جهتی برای حقیقت طلبان نیز گردید.

فضل و فضیلت، در فرهنگ و ادبیات ملت ها جایگاهی ویژه را به خود اختصاص داده و هر ملتی کوشیده مفاخر و برجستگی های ملی و منطقه ای و شخصیتی و هویتی و نسلی و فرهنگی و تمدنی خود را بیشتر بنمایانند و آثار نیاکان خود را پاس بدارد و داشته ها و مفاخر خود را تعظیم کند و به آنها مباهات نماید. چنین رفتاری گاه تبدیل به آیینی جمعی شده و روزهایی برای بزرگداشت آن اختصاص یافته که ملتی به هویت گذشته خویش بیندیشد و ریشه های خود را باز یابد. البته این برجسته سازی و مفاخره، همواره نتیجه فرهنگی مطلوب نداده و گاه به منازعه و کشمکش و بد اخلاقی نیز انجامیده است. در این میان، اشعار و نثرهای ادبی ماندگاری که به جهت طرفداری از قوم، سرزمین، آیین، ملت، قهرمان، زبان و نیاکان خود و هجو و هزل طرف مقابل نوشته و یا سروده شده، فراوان و چشمگیر پدید آمد و آثار زیادی از سوی نویسندگانی چند به اوراق دفترها و کتاب ها راه یافت. <sup>۱</sup> این مفاخره ها، چندان پر قوت و همه گیر بود که گاه به پیش پیامبر هم کشیده می شد. بنو تمیم، با شاعر و خطیبشان پیش پیامبر آمدند و تفاخر کردند و بالیدند و گفتند: أتیناک کیمما يعرف الناس فضلنا و اذا خالفونا عند ذکر المکارم و انا رؤوس الناس من کل معشر و ان لیس فی الأرض الحجار کدارم و ان لنا المربع فی کل غارة تکون بنجد أو بأرض البهائم؛

به پیش تو آمده ایم تا مردم فضیلت ما را بشناسند؛ آن گاه که هنگام یادکرد از

بزرگواری ها، آنان با ما مخالفت می کنند.

ما در اوج و بلندای هر گروهی هستیم و هیچ سنگی در زمین مانند سنگ های دارم نیست.

یک چهارم هر غنیمتی از آن ماست. که در سرزمین نجد و یا بهائم است. پیامبر چون دید که آنها بسی به خود می بالند، به حستان دستور داد که جواب آنان را بدهد. و وی چنین سرود:

بنی دارم لا تفخروا ان فخرکم يعود وبالاً عند ذکر المکارم

هبلتم علینا تفخرون و انتم لنا خول من بین ظئر و خادم<sup>۲</sup>

ای بنی دارم، به خود مبالید که بالیدن شما، هنگام یادکرد از بزرگواری ها باری بر گردنتان خواهد بود.

بی خردی کردید. بر ما تفاخر می کنید، در حالی که شما برای ما پیش خدمتانی دایه و خادمید.

باری، چنین است که هر قومی هویتی دارد و بر آن هویت می زید و بر آن می میرد و آن را بزرگ می دارد و از فضایل و مکارم آن دم می زند. و این از خوی و منش همه ملت هاست و گویی غریزه ای از نهاد آدمیان برخاسته است. طرح پاره ای فضایل انسانی درباره برخی مردان و زنان بزرگ، ریشه در چنین اعماقی دارد و درست آن، درست و پسندیده است و از همین رو است که تلاش شده تا بماند و تا انسان ها را در زیر سایه چتر فرهنگ پرور خود بگیرد. و از نادرستی ها پاک و پالایش گردد. از جمله شخصیت های تحسین برانگیز و ماندگار، دختر گرامی پیامبر، و همسر وصی آن حضرت، فاطمه زهرا(س) است. این بانوی بزرگ، بر اساس نقلی از حضرت رسول خدا، ام آیهها لقب گرفت<sup>۳</sup> و این از آن رو بود که محبوب پیامبر بود و خواجه عالم او را از جان و دل دوست می داشت. پیامبر چهار دختر به نام های فاطمه، رقیه، زینب و ام کلثوم و دو پسر به نام های ابوالقاسم و عبدالله داشت که پنج تن از آنان در زمان حیات ایشان درگذشتند و تنها فرزند باقی مانده بعد از ایشان، فاطمه بود که اولین نفر از خاندان حضرت ختمی مرتبت بود که چند ماهی پس از درگذشت رسول خدا، به پیامبر پیوست. و از ایشان به هی اول من لحقه من بعده یاد شده است.<sup>۴</sup>

در باره این بانوی بزرگوار، عموم مفسران در ذیل آیات مباحله،<sup>۵</sup> تطهیر،<sup>۶</sup> مودت<sup>۷</sup> و ابرار<sup>۸</sup>، بسیار سخن گفته و حق سخن را در آن ادا کرده‌اند و بسیاری از آنها در نوشته‌ها و گفته‌ها بازتاب یافته و یا می‌یابد که این مقال، در صدد بازگویی آنها نیست. در این نوشته، از زاویه دیگری به شخصیت این بانوی اول، در نظر و کلام مفسران پرداخته می‌شود. و تنها بخشی از آن دسته از نوشته‌های مفسران اهل سنت که در آیاتی به جز آیات مربوط به آن بانوی یگانه، داد سخن داده‌اند، گزارش و تحلیل می‌شود.

مفسران اهل سنت، از این زاویه‌ها به مقام و شخصیت فرید فاطمه نگریسته‌اند و درباره ایشان نوشته‌اند:

### ۱. عمل فاطمه، مستند فتوا

در میان فقیهان، بسیار اندک‌اند کسانی که عمل دختر پیامبر را مبنای نظر و اجتهاد خود قرار دهند و بر آن اساس فتوا صادر کنند، هر چند کم نیستند کسانی که آن حضرت را دارای مقام عصمت و جایگاه و رتبه‌ای والا می‌دانند. اما برخی مفسران در تفسیر آیه و یا آیاتی از احکام قرآن، در استدلال و استنباط فقهی به عمل زهرای اطهر توجه داشته و به آن اشاره کرده‌اند و یا آن را مستند نظر خویش قرار داده‌اند. ابن عطیه (م ۵۴۶هـ) در آیه مربوط به آداب شرکت در مهمانی پیامبر<sup>۹</sup>، و توصیه به پرهیز از تماس با همسران پیامبر جز از پشت پرده، از اهمیت حجاب زنان بحث کرده و آن‌گاه به مناسبت، ماجرای سفارش فاطمه به ساختن تابوتی برای حمل جنازه خود را نقل کرده است.<sup>۱۰</sup> دیگران ماجرا را از زبان اسماً دختر عمیس، چنین آورده‌اند:

خلیفه دوم در تشییع جنازه زینب دختر جحش، یکی از همسران پیامبر، دستور داد که برای رعایت حرمت و حجاب او، جز محارم زینب در تشییع وی شرکت نکنند. اسماً به وی آموخت که جنازه او را در داخل تابوتی بگذارند که بدن وی دیده نشود. و به وی گفت که او در دوران هجرت در حبشه، دیده که مردم برای حمل جنازه‌های خود از چنین وسیله‌ای استفاده می‌کرده‌اند و ادامه داده که خود او به توصیه فاطمه، جنازه آن بانو را هم چنین کرده است. صنع ذلک فی جنازه فاطمة بنت النبی.<sup>۱۱</sup>

ابو حیان (م ۷۴۵هـ)<sup>۱۲</sup> آن را در تفسیرش آورده و قرطبی (م ۶۷۱هـ)<sup>۱۳</sup> هم به تبع

ابن عطیه، این ماجرا را در تفسیرش نقل کرده است.

نقل ماجرای سفارش فاطمه به ساختن تابوتی که بدن وی در داخل آن هنگام تشییع دیده نشود، به مناسبت بحث از حجاب و دور بودن زن از نگاه نامحرم، گویای این است که این دسته از مفسران، برای آن سفارش، اهمیت ویژه‌ای قائل بوده‌اند و اگر از آن دلیلی بر نظر فقهی شان استفاده نکرده‌اند، گویی آن را امری بسیار پسندیده و روا دیده‌اند.

قرطبی، به مناسبت تفسیر آیه ۲۱ سوره کهف، در ضمن بحثی نسبتاً تفصیلی درباره ساختن مسجد بر روی قبور و دفن اموات در مسجد، و بنای ساختمان بر قبر، و این که چیدن سنگ بر روی قبر برای علامت گذاری مانعی ندارد، نوشته است:

لا بأس بوضع الأحجار لتكون علامة؛ لما رواه أبو بكر الأثرم قال: حدثنا مسدد، حدثنا نوح بن دراج، عن أبان بن تغلب، عن جعفر بن محمد قال: كانت فاطمة، بنت رسول الله (ص) تزور قبر حمزة بن عبدالمطلب كل جمعة و علمته بصخرة؛ ۱۴ سنگ گذاشتن بر روی قبر به منظور علامت گذاری، مانعی ندارد؛ به دلیل روایتی که ابوبکر اثرم نقل کرده و در آن آورده که مسدد روایت کرده که... فاطمه، دختر پیامبر خدا - که درود و سلام خدا بر او باد - هر جمعه به زیارت قبر حمزه می‌رفت و آن را با سنگ علامت گذاری کرده بود.

همان گونه که از تعبیر «لا بأس بوضع الأحجار» روشن است، این مفسر به وضوح نظر فقهی خود را در علامت گذاری بر قبر، به عمل فاطمه مستند کرده و بر اساس آن، آن را کاری روا شمرده است.

ابن حجر (م ۸۵۲ هـ) موضوع را از زاویه دیگری بحث کرده و آن، جواز زیارت اهل قبور از سوی زنان است که به نقل از حاکم، ۱۵ به عمل حضرت زهرا تمسک کرده است. وی چنین می‌نویسد:

و للحاکم من حدیث علی بن الحسین أن فاطمة بنت النبی (ص)، كانت تزور قبر عمها حمزة كل جمعة فتصلی و تبکی علیه؛ ۱۶ حاکم روایت علی بن الحسین (امام زین العابدین) را نقل کرده که فاطمه دختر پیامبر خدا - که درود و سلام خدا بر او باد - در هر جمعه، قبر عمویش حمزه را زیارت می‌کرد و بر آن می‌گریست. و بدین ترتیب، وی حضور زنان را با استناد به عمل حضرت زهرا بر اساس نقل حاکم روا دیده است.

همین کار را بیهقی حدیث نگار (م ۴۵۸) هم در کتابش با عنوان ما ورد فی دخولهن فی عموم قوله فزوروا، آورده است. ۱۷

قرطبی در تفسیر کلماتی که خداوند با آنها ابراهیم را آزمود<sup>۱۸</sup> ۲۰ مسئله را مورد بحث قرار داده و از جمله آنها ختنه است که گفته، از جمله چیزهایی که ابراهیم به آن آزموده شد، اختتان است، و به مناسبت از سنت ختنه سخن به میان آورده و بحث کرده و از جناب فاطمه نقل کرده است که: روی عن فاطمه أنها كانت تختن ولدها يوم السابع؛<sup>۱۹</sup> از فاطمه روایت شده که وی فرزندش را در روز هفتم ختنه می کرد.

## ۲. فاطمه، راوی حدیث و سنت

فاطمه، به عنوان راوی حدیث نبوی در آثار تفسیری و در تفسیر احکام و یا برخی از رویدادهای مربوط به زندگی و سیره پیامبر، از جمله نکته‌هایی که مفسران به آن توجه کرده و در تفسیر خود آورده‌اند. برای نمونه، قرطبی در آداب ورود به مسجد، و در تفسیر آیه ۳۶ سوره نور، بحثی تفصیلی را درباره مسجد مطرح و در ادامه چنین نقل کرده است:

روی ابن ماجه عن فاطمة بنت رسول الله... قالت: كان رسول الله اذا دخل المسجد، قال: باسم الله والسلام على رسول الله...<sup>۲۰</sup>

همین نقل را ابوالفداء اسماعیل نام بردار به ابن کثیر (م ۷۷۴ هـ) نیز با سندی دیگر در تفسیرش آورده است. ۲۱ فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶) هم به مناسبت تفسیر آیه وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ (بقره، ۱۱۴/۲) دعای پیامبر هنگام ورود به مسجد از زبان فاطمه نقل کرده است. ۲۲

در روایتی آلوسی (م ۱۲۷۰ هـ) از ابن سنی و ابن دیلمی از فاطمه نقل کرده که پیامبر آموزش داده که هر گاه خواستی بخوابی، این دعا را می خوانی:

الحمد لله الكافي، سبحان الله الاعلى...<sup>۲۳</sup>

در روایتی ثعالبی در تفسیر آیه وَإِنِّي أَعْيَضُهَا بِكَ وَذَرَيْتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (آل عمران، ۳/۳۶) نقل کرده که ابن السنی در کتابش از فاطمه (س) نقل کرده که هر گاه درد زایمانش می گرفت، پیامبر ام سلمه و زینب دختر جحش را نزد ایشان می فرستاد تا نزد وی آیند و برایش «آیه الکرسی» و آیه «ربکم الله الذی» تلاوت کنند و آن حضرت را با دو سوره فلق و ناس، تعویذ دهند. فتقرءا عندها آیه الکرسی و ان ربکم الله و تعوذانها بالمعوذتین.

### ۳. فاطمه، قاری و مفسر

برخی مفسران از فاطمه زهرا، قرائتی از آیه‌ای را نقل کرده‌اند و برخی دیگر از ایشان تفسیر آیه‌ای را بر مبنایی از یک قرائت نقل نموده‌اند. ابوحنیفان مفسر و ادیب در تفسیر آیه **لقد جاءکم رسول من أنفسکم** (توبه، ۱۲۸/۹)، عبارت **أنفسکم** را قرائت به فتح سین از جناب فاطمه نقل کرده<sup>۲۴</sup> و در جای دیگری از تفسیرش، آن را بر اساس نظر حضرت زهرا چنین تفسیر کرده است: **من أشرفهم و أعزهم**<sup>۲۵</sup>. قرطبی هم در تفسیر این آیه، گفته است: **و عن فاطمة - رضی اللہ عنہا - ای جاءکم رسول من أشرفکم و أفضلکم**<sup>۲۶</sup>.

### ۴. موقعیت ممتاز فاطمه

در خبر است که وقتی پیمان نامه صلح حدیبیه میان پیامبر و قریش امضا شد، دو تیره از قبایل مکه خزاع، با پیامبر و بنوبکر، با قریش هم پیمان شدند. میان این دو درگیری پیش آمد و قریش به یاری هم پیمان خود بنو بکر برخاستند، خیر به پیامبر رسید، ایشان هم یارانسان را به کمک هم پیمان خود فراخواند، و آنها را تجهیز کرد و راهی مکه شدند. در این هنگام ابوسفیان در مکه حضور نداشت و در روم در نزد هرقل بود، وقتی از روم برگشت، گویی از ماجرای لشکر کشی مسلمانان به سوی مکه خبردار شده بود، وارد مدینه شد، و چاره‌ای اندیشید تا در این میان تکلیف خود را روشن کند. از این رو، تلاش کرد تا پناهندگی بگیرد. اولین جایی که آنجا پناه آورد، خانه فاطمه بود. ابوسفیان به منزل ایشان رفت و از ایشان درخواست پناهندگی کرد. و دخل علی فاطمة يستجیر بها<sup>۲۷</sup>. هر چند جواب ایشان به ابوسفیان منفی بود، اما انتخاب ابوسفیان فاطمه زهرا را برای منظور یاد شده نشان از موقعیت ویژه آن حضرت دارد و این که وی پناهگاه مردم بشمار می‌رفته است. نه تنها در میان دیگران، که در نزد شخص پیامبر نیز موقعیت ممتازی داشت و چنان رسول خدا او را دوست می‌داشت که ثعالبی (م ۸۷۵ هـ) در تفسیر آیه **أذهبتم طیبتکم فی حیاتکم الدنیا** (احقاف، ۲۰/۴۶) به مناسبت بحث از دنیا زدگی، نقل کرده که:

کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و سلم اذا سافر کان آخر عهده بانسان من أهله، فاطمة و أول من یدخل علیها، فاطمة؛<sup>۲۸</sup> پیامبر - که صلوات خدا بر او باد - هرگاه عازم سفر بود، آخرین نفری که با خدا حافظی می‌کرد و اولین نفری که پس از سفر او را می‌دید، فاطمه بود.

## ۵. مخاطب پیامبر در تلاوت آیات ویژه

مفسرانی در ذیل برخی از آیات قرآن، نقل کرده‌اند که هنگامی که پیامبر آیه و یا سوره‌ای از قرآن را دریافت می‌کرد، آنها را خطاب به فاطمه و علی تلاوت می‌فرمود. برخی از آنها به مناسبت وظیفه‌ای است که در آن آیات برای پیامبر بیان شده بود و برخی دیگر، گویی به اشاره به نکته‌ای و نشان رمزی بود میان ایشان و آن دو، که پیامبر خدا برایشان می‌خواند. از جمله نقل است که، پس از نزول آیه و **أمر أهلك بالصلاة** (طه، ۱۳۲/۲۰) پیامبر هر روز صبح به در منزل فاطمه و علی می‌رفت می‌فرمود: الصلاة و این کار را مدام انجام می‌داد. ۲۹ و نیز پس از نزول سوره نصر، پیامبر خطاب به علی و فاطمه، این سوره را تلاوت فرمود. ۳۰ مفسران گفته‌اند که گویی پیامبر با نزول این آخرین سوره، خبر رحلت خود را پیش بینی می‌کرد و از این رو، گفته‌اند که فاطمه با شنیدن آن رنجید و گریست. و نیز با نزول آیه **من كان يرجوا لقاء الله فإن أجل الله لائت** (عنکبوت، ۵/۲۹) خطاب به علی و فاطمه، فرمود: یا علی و یا فاطمه، قد انزل الله تعالی من كان يرجوا لقاء الله. فاستعدوا؛ ۳۱ ای علی، و ای فاطمه، خداوند متعال این آیه را فرو فرستاده که «هر کس خواهان دیدار خداست...» پس آماده باشید.

## ۶. برخورداری فاطمه از غذای غیبی

در باره جناب مریم، آیه‌ای در قرآن کریم آمده و در آن اشاره شده که مریم، از روزی غیبی غیر مترقبه و شگفتی که از راه معمولی شناخته شده به دست او نمی‌رسیده، و بل روزی ویژه خدادادی بوده، برخوردار بوده است. زکریای پیامبر، که عهده‌دار نگاه‌داری مریم بوده، روزی وارد بر وی می‌شود و غذایی در نزد وی مشاهده می‌کند و شگفت زده شده و از مریم می‌پرسد که چنین روزی از کجا آمده و وی جواب داده، از جانب خداست. ۳۲

أبوالسعود (م ۹۵۱ هـ) در تفسیر این آیه و شرح این ماجرا، گفته است که: چنین ماجرای برای فاطمه - رضی الله عنها - هم اتفاق افتاده است. ماجرا از زبان و نقل وی چنین است:

ان فاطمة الزهراء رضی الله عنها اهدت الی رسول الله رغیفتی و بضعة لحم، فرجع بها إليها فقال هلمی یا بنیة! فكشفت عن الطبق، فاذا هو مملو خبزاً و لحماً فقال لها: أتئی لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب. فقال عليه الصلاة والسلام: الحمد لله الذي جعلك شبيهة بسيدة بنی اسرائیل ثم جمع



علیاً و الحسن و الحسین و جمیع اهل بینه رضوان اللہ علیہم اجمعین فاکلوا و شبعوا و بقی الطعام کما هو فإوسعت علی جیرانها؛<sup>۳۳</sup> فاطمه زهرا - که خداوند از او خشنود باد - به رسول خدا دو عدد نان و مقداری گوشت تقدیم کرد. پیامبر آنها را به زهرا برگرداند و فاطمه را صدازد که: دخترم بیا! و پرده از روی طبق غذا برداشت در حالی که طبق غذا، آکنده از نان و گوشت بود. و به دخترش فرمود: این از کجا آمده؟ عرض کرد: از سوی خداوند، که خداوند به هر که بخواهد، بی حساب روزی می دهد. پیامبر - که بر او درود و سلام باد - فرمود: ستایش خداوندی راست که تو را همانند بانوی بنی اسرائیل قرار داد. آن گاه پیامبر علی و حسن و حسین و تمامی خانواده اش - که خداوند از همگی آنان خشنود باد - را صدازد و جمع کرد و از آن غذا خوردند و سیر شدند و غذا همچنان بر جا بود و همسایگان را نیز با آن سیر کردند.

این ماجرا را بیضاوی (م ۶۸۳) <sup>۳۴</sup> و آلوسی (م ۱۲۷۰هـ) به تفصیل <sup>۳۵</sup> و ثعلبی (م ۴۲۷هـ) <sup>۳۶</sup> هم نقل کرده اند. و برخی در آغاز آن از گرسنگی پیامبر و نداشتن چیزی برای خوردن و نیافتن غذا سخن گفته اند و این که پیامبر از فاطمه درخواست غذا کرده و ایشان هم نداشته تا این که کنیز او دو گوده نان و مقداری گوشت به فاطمه می دهد و وی آنها را به رغم گرسنگی خود و اعضای خانواده اش برای پیامبر ارسال می کند و آن حضرت ظرف غذا به فاطمه بر گرداند. <sup>۳۷</sup>

اگر در اخبار نقل شده، از جهت سند، خدشه وارد شود، اما این آیه چنان رخدادی را ممکن می داند. همان گونه که فخر رازی در تفسیر آیه، بحثی را درباره کرامت اولیای الهی به میان کشیده و با استناد به این آیه، امکان وقوع کرامت را اثبات کرده است.

احتج أصحابنا علی صحّة القول بکرامة الأولیاء بهذه الآیة؛ دوستان ما به درستی این عقیده به امکان وقوع کرامت برای اولیای الهی، به این آیه استدلال کرده اند. استدلال وی چنین است که:

آنچه برای مریم اتفاق افتاده، یا از طریق خرق عادت بوده و یا غیر خرق عادت، اگر گفته شود، آن حادثه امری طبیعی بوده، به پنج دلیل نادرست است؛ زیرا اولاً، اگر ماجرای برخورداری مریم از روزی طبیعی باشد، شأن و جلالتی برای وی

نیست، در حالی که آیه، در مقام اثبات شأن و مقامی ویژه برای مریم است. و ثانیاً زکریا با دیدن آن روزی در نزد مریم، دعا کرد که خدا برایش در همان دوران پیری فرزندی عطا کند، در حالی که وی پیش از آن، نا امید بود و با دیدن چنان رخداد غیر مترقبه‌ای رو به درخواست کرد. ثالثاً، نکره آورده شدن رزق در وجد عندها رزقا حاکی است که آن رزق، مهم و برای زکریا غریب و غیر مترقبه بوده است. رابعاً به جهت این حادثه بوده که خدا در حق مریم و پسرش فرموده: **وجعلناها و ابنتها آية للعالمین** (انبیاء، ۹۱/۲۱). و خامساً روایات متواتری رسیده که زکریا در نزد مریم میوه زمستانی را در فصل تابستان و میوه تابستانی را در زمستان مشاهده کرده است. ۳۸

و از این رو بود در ذکری نقل شده از پیامبر درباره برخورداری فاطمه از غذایی غیبی فرموده است:

الحمد لله الذي جعلك شبيهة سيدة نساء بني اسرائيل فانها كانت اذا رزقها الله تعالى رزقاً فسئلت عنه، قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب. ۳۹؛ ستایش خدایی راست که تو را همانند بانوی زنان بنی اسرائیل قرار داد. و او چنین بود که هر گاه خداوند متعال به او روزی نصیب می کرد، و از او پرسیده می شد که از کجاست؟ می گفت: از جانب خداست. چرا که خدا به هر که بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

## ۷. فاطمه بانوی برتر

فاطمه (س) به دلیل موقعیت منحصر به فردش در میان زنان و مردان مسلمان از ویژگی منحصری برخوردار است، و از این رو، نویسندگان و گویندگان به شخصیت او می پردازند و بر اساس آنچه در باره شأن و شخصیت او نازل و گفته شده، سخن گفته اند و می گویند. ۴۰

این یادآوری ضروری است که، کشمکش برای شناختن با فضیلت ترین و برترین انسان و یا برترین زن عالم، نه لزوماً برای تفاخر و نزاع و مباحثات که برای یافتن حقیقت و هر کسی را در جایگاه خود دیدن و در نتیجه به همان میزان از او انتظار داشتن است، که بی تردید از حقیقت طلبی است و نه رفتاری جاهلی. و از این رو در میان مفسران، که در

پی کشف حقیقت معنای آیات خدایند، این بحث نیز در گرفته و هر یک به میزان توان و علاقه خود تلاش کرده‌اند تا یافته‌های خود را از آیات باز گویند.

شاید برای بسیاری این نکته حایز اهمیت و پرسش برانگیز باشد که خداوند، در آخرین پیام آسمانیش قرآن، از مریم مادر عیسی مسیح، به عنوان برترین بانو و زن برگزیده یاد کرده است. این که در آخرین پیام وحی خداوند در چند جای کتابش این بانو را دارای صفاتی فوق‌العاده انسانی و مهم‌تر از همه، برترین زن معرفی کرده قابل درنگ و تأمل است.

مفسران، در تفسیر آیه برگزیدگی حضرت مریم، بیشترین حرف‌های خود را درباره بانوی برتر و برترین بانو در آیه مربوط به برگزیدگی مریم بر عالمیان زده‌اند و در آنجا این نکته‌ها را در میان گذاشته‌اند که برگزیدگی مریم بر عالمیان، آیا مطلق و برای همه زمان‌ها و مکان‌هاست و یا به زمانی ویژه مربوط است؟ و این که آیا فرد دیگری هم وجود دارد که دارای چنان مقامی باشد و یا برتر از وی باشد؟ قرطبی، از زمره مفسرانی است که آیه را مطلق می‌داند و کسی را به پا و پایه مریم نمی‌شناسد. وی در تفسیر آیه یا مریم إن الله اصطفک وطهرک واصطفک علی نساء العالمین (آل عمران، ۴۲/۳) نوشته که از طریق صحیح نقل است که:

خیر نساء العالمین أربع: مریم بنت عمران، و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون، و خدیجه بنت خویلد و فاطمة بنت محمد؛ بهترین زنان عالم‌ها چهار زنند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد.

او سپس در پی نقل این روایت، حدیثی را ذکر کرده که در آن به ترتیب برتری، زنان بهشت چنین یاد شده‌اند:

أفضل نساء الجنة، خدیجه بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امرأة فرعون؛ بهترین زنان بهشت، خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه‌اند.

روایت اول، به ترتیب زمانی و برتری افراد یاد شده است و روایت دوم نظر به برتری هر یک به ترتیب در بهشت دارد. قرطبی بر اساس روایتی دیگر، سه تن را با تعبیر سیده نساء أهل الجنة یاد کرده<sup>۴۱</sup> و در ادامه، با استناد به این که به مریم وحی شده و بنا بر این، از مقام

نبوت برخوردار است، مریم را برترین بانو معرفی کرده و قید «اولین و آخرین» را هم برای ادعایش آورده و آن گاه در توصیف مریم افزوده:

خداوند به مریم ویژگی‌هایی داده که به هیچ کس نداده و آنها را چنین برشمرده است: ان روح القدس كلمها و ظهر لها و نفخ في درعها و دنا منها للنفخة، فليس هذا لاحد من النساء و صدقت بكلمات ربها و لم تسأل آية عند ما بشرت كما سأل زكريا من الآية و لذلك سماها في تنزيهه صديقة، فقال: وأمه صديقة<sup>۴۲</sup> (مانده، ۵/۷۵) روح القدس با مریم سخن گفت و در درون او دمید و به برای دمیدن در او، به وی نزدیک شد و هیچ زنی چنین نیست. او سخنان پروردگارش را تأیید کرد و هیچ نشانه‌ای برای آن نطلیلید؛ آن گونه که زکریا از خدا طلب نشانی کرد. و از این رو، خدا او را در قرآنش زن صادق نامید و فرمود: و مادرش زنی بسیار صادق.

این مفسر، با این که نظرش را بصراحت بیان کرده، و در برابر روایاتی که ظاهری روشن دارند، نتوانسته نظر دیگری را بر گزیند، اما ظاهر هیچ یک از روایات را هم در انتخاب دومین زن برگزیده، انتخاب نکرده و چنین نظر داده است: ثم بعدها في الفضيلة فاطمة. گویی مفسر نتوانسته ذهن خود را از واقعیتی خالی کند که او را به خود مشغول کرده است. مفسر در این رأی، گزینشی انجام داده که دلیلی برایش ذکر نکرده و گویی درون وی این ندا را به او داده که با ناتوانی از اقامه دلیل بر عدم تقیید آیه، زهرا را دومین بانوی برتر معرفی کند. بی هیچ گفت و گویی. اما مفسران دیگر، مثی قرطبی را نپیموده‌اند و سخنی دیگر گفته‌اند.

أبو حیان (م ۷۴۵هـ) در تفسیر همین آیه نوشته که تعدادی از مفسران، ظاهر این تفضیل را پذیرفته‌اند، اما برخی از مشایخ ما گفته‌اند که آنچه علما بر آن اتفاق نظر دارند، و از مشایخشان نقل کرده‌اند، این است:

ان فاطمة أفضل النساء المتقدمات والمتأخرات لأنها بضعة من رسول الله (ص)<sup>۴۴</sup> فاطمة، برترین زن زنان گذشته و آینده است؛ چه این که او پاره تن رسول خدا (ص) است.

أبو حیان به گفته مشایخ خود بسنده نکرده و دلیل رأی مشایخش را پاره تن رسول خدا بودن فاطمه بر شمرده، اما از چگونگی گذشتن از ظاهر آیه سخن به میان نیاورده است. بهتر

است برای روشن شدن بهتر موضوع زمام سخن را به فخر رازی بسپاریم که در بحث تعلیم اسما از سوی خدا به آدم، و این که فرشتگان، به برخی از دانسته‌های آدم، ناآگاه بودند، به مناسبت و تبیین بحثش، موضوع برتری بنی اسرائیل را بر عالمین در آیه یابنی اسرائیل اذکروا نعمتی الّتی أنعمت علیکم و ائی فضلتکم علی العالمین (نقره، ۲/۴۷) پیش کشیده و چنین گفته است: اگر آیه به عموم خود (افضلیت بنی اسرائیل بر عالمیان) باقی بماند، شامل فرشتگان و پیامبر (ص) هم می‌شود و باید گفت که بنی اسرائیل از فرشتگان و پیامبر برترند. رازی برای این که سخن خود را متقن‌تر کند، در ادامه و به مناسبت بحث، از آیه برتری مریم در آیه یاد شده سخن گفته و این که «اگر چنین باشد، باید مریم بر فاطمه برتر باشد». و آن گاه جواب موجهی ارائه کرده است. جواب وی چنین است: آن تفضیل، وقتی از سوی خدا اتفاق افتاده که پیامبر نبوده و جزء عالمین بشمار نمی‌آمده و چیزی و یا کسی که معدوم باشد، از عالمیان بشمار نمی‌آید، و چون چنین است، پس برتری بنی اسرائیل شامل او نمی‌شود. ۴۵ وی آن گاه با توجه دادن به دلیل دیگر، جبرئیل را هم مشمول آیه نمی‌داند. به سخنی، فخر رازی، پیامبر را به سخن اصولیان، تخصصاً از موضوع آیه خارج دانسته است. نکته حایز اهمیت در کلام رازی، اشاره وی به برتری مریم بر فاطمه در صورت پذیرفتن عموم آیات افضلیت است. وی هر چند به صرف طرح موضوع بسنده کرده و بحث را در این باره ادامه نداده، اما گویی به همان بسنده کرده و از وضوح موضوع، نیازی به بسط بحث ندیده است.

اما مهم‌تر از کلام رازی، سخن آلوسی (م ۱۲۷۰ هـ) بغدادی است که در تفسیر آیه، بحث گسترده‌ای را در برتری هر یک از مریم و فاطمه بر دیگری، مطرح کرده که به اختصار چنین است:

به این آیه، بر افضلیت مریم بر فاطمه و خدیجه و عائشه استدلال شده و این نظر را با گفته‌ای از پیامبر خدا تأیید کرده‌اند که ایشان فرموده است: سید نساء أهل الجنة مریم بنت عمران، ثم فاطمة، ثم خدیجة ثم آسیة؛ سرور خانم‌های اهل بهشت، مریم، سپس فاطمه، آن گاه خدیجه و آن گاه آسیه است. و نیز گفته دیگری از آن جناب خطاب به فاطمه چنین است: أنت سیدة نساء أهل الجنة الا مریم البتول؛ ۴۶ تو سرور زنان اهل بهشتی جز مریم بتول. آن گاه مفسر، قولی را مورد توجه قرار داده که مراد از افضلیت مریم بر زنان

عالم ، زنان دوران وی بوده و نه همه دوران ها ، و گفته که بنا بر این قول ، افضلیت مریم بر فاطمه ثابت نیست ، و بر این قول هم تأییدی از پیامبر را آورده که حضرتش فرموده :

أربع نسوة سادات عالمهن : مریم بنت عمران ، و آسیة بنت مزاحم ، و خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد و أفضل عالمها فاطمة ؛ چهار زن ، سروران دوران خود هستند : مریم ، آسیه ، خدیجه و فاطمه و بهترین زن دوران خود ، فاطمه است .

آلوسی ، این نظر را به ائمه اهل بیت نسبت داده و گفته است : و هو المشهور بین ائمه اهل البيت . و در ادامه نظر خود را چنین نوشته است :

التي أميل اليه : ان فاطمة البتول أفضل نساء المتقدمات و المتأخرات ؛ آنچه من به آن تمایل دارم ، این است که فاطمه بتول ، برترین زنان گذشته و آینده است . و دلیل آن را چنین برشمرده : من حيث انها بضعة رسول الله (ص) ، بل و من حیثیات آخر أيضاً ؛ از جهت این که فاطمه ، پاره تن پیامبر است ، و بل از جهات دیگر نیز . وی حتی در صورت عقیده به نبوت مریم هم این قول را ترجیح داده و دلیل آورده که :

اذ البضعية من روح الوجود و سيد كل موجود لا أراها تقابل بشيء ؛ زیرا پاره تن روح وجود و سید کل موجود بودن را نمی بینم که هیچ چیزی بتواند با آن برابری کند . و این الثريا من يد التناول ؛ کی رسد دست به ستاره ثریا .

آلوسی مفسر ، آن گاه نوشته اش را با این سخن ادامه داده که :

با این گفته ، معلوم می شود که فاطمه بر عائشه هم افضل است ؛ بر خلاف نظر خیلی ها که وی را افضل دانسته اند .

سپس وی روایات افضلیت عائشه را بر دیگران ، نقل کرده و یک به یک آنها را بر رسیده و همه را مورد مناقشه دلالتی قرار داده و دلالت آنها را بر ادعا ناکافی دانسته و سر انجام نتیجه گرفته که :

و بعد هذا كله ، الذي يدور في خلدی ، ان أفضل النساء فاطمة ثم أمها ثم عائشة ؛ پس از این همه ، آنچه در ذهن من خلیجان می کند ، این است که برترین زن فاطمه است ، آن گاه مادرش و آن گاه عائشه .

و قابل توجه این که وی نه تنها فاطمه را از همه برتر می داند که سایر دختران رسول

خدا هم با همان ملاک، احتمال برتری می‌دهد و البته در این نظر، چندان رأی قطعی ندارد و خود همین قرینه است که برای فاطمه زهرا، جایگاه ویژه قائل است. وی درباره دیگر دختران پیامبر بر آن است که: اگر کسی دیگر دختران پیامبر را از عائشه برتر بداند، من در آن اشکالی نمی‌بینم. بل لو قال قائل ان ساير بنات النبی افضل من عائشة لا أرى به بأس. وی آن گاه در مقام مقایسه میان مریم و فاطمه، با توجه به اطلاق آیه در افضلیت مریم بر زنان، آن را جای درنگ و توقف دانسته و در عین حال تأکید کرده که با توجه به حیثیت گفته شده، نظر من همان است که گفتم. و از امام سبکی (۶۸۳-۷۵۶) هم روایت کرده که وی بر این بوده که فاطمه افضل است. و الذی نختاره و ندین الله تعالی به، ان فاطمة بنت محمد افضل. و بلقینی (۷۲۴-۸۱۵هـ) را هم بر همین دانسته است. ۴۷

آلوسی، در هر جایی از تفسیرش که امکان سخن گفتن درباره فاطمه بوده و یا احتمال خلاف نظر خود را داده، اظهار نظر کرده و رأی خود را ابراز نموده است. وی در تفسیر آیات مربوط به همسران پیامبر در سوره احزاب (آیات ۲۸ تا ۳۷) با طرح نظر کسانی که قائل به افضلیت همسران پیامبرند، گفته که شاید که افضلیت آنان از جهت ام المؤمنین بودن و در جایگاه همسری پیامبر بودن باشد و نه از جهات دیگر و این باعث نمی‌شود که فاطمه از یکایک همسران پیامبر برتر نباشد. وی پارا از این هم فراتر گذاشته و گفته است: فاطمه از جهاتی بر خلفای چهارگانه هم برتر دارد. بل هی من بعض الحیثیات کحیثیة البضعیة، أفضل من کل الخلفاء الاربعة؛<sup>۴۸</sup> بلکه او از جهاتی مانند پاره تن رسول خدا بودن، از همه خلفا هم برتر است.

گویی برتری فاطمه بر زنان، چنان بر آلوسی مسلم بوده که هر جا احساس کرده که ممکن است از آیه ای از قرآن، بر خلاف نظر او استنباط شود، و نظر وی را زیر سؤال ببرد، عقیده اش را مطرح و مستدل بیان کرده است. در تفسیر آیه و مریم ابنت عمران التي أحصنت فرجها فنفعنا فیہ من روحنا و صدقت بکلمات ربها و کتبه و کانت من القانتین (تحریم، ۱۲/۶۶) که در آن مریم، زنی پاکدامن و برخوردار از نفخه الهی و مؤمن به کلمات خدا و کتاب های او و عابد معرفی شده، این نظر را پیش کشیده و گفته است: ثم لا یخفی ان فاطمة - رضی الله عنها - من حیث البضعیة، لا یعدلها فی الفضل أحد؛<sup>۴۹</sup> ناگفته نماند که فاطمه، از جهت پاره تن رسول خدا بودن، هیچ کسی با او برابری نمی‌کند. و به این ترتیب

وی ، با روایتی از پیامبر و واقعیتی ملموس ، دلالت عام آیه ای از قرآن را اختصاص می زند . حاصل این که در مناقشات تفسیری و کلامی در برتری این و یا آن بانو ، ظاهر آیه قرآن این است که مریم دختر عمران و مادر گرامی پیامبر خدا حضرت مسیح ، یک بار برگزیده شده و از آلودگی پاک شده و بار دیگر برگزیده شده ، و بر همه زنان جهان برتری داده شده است . پاره ای رخدادها نیز برای فاطمه رخ داده که او را نیز به همین مقام نایل آورده است . او از خاندان پیامبر و به اصطلاح قرآن کریم ، اهل البیت است که خدا در قرآن آنان را از هر گونه آلودگی پیراسته و پاکشان کرده ۵۰ و در آیه ای دیگر او را از اهل بهشت معرفی کرده ۵۱ ، و بدینسان ، فاطمه در پاره ای از صفات با مریم برابری می کند و از سویی ، چون وی پاره تن حبیب خدا ، پیامبر مصطفی است ، جایگاه برتری را به خود اختصاص داده و می توان او را بانو و سرور زنان دانست . از این رو جزئی ، در تفسیرش در تفسیر آیه

مربوط به همسران پیامبر یانساء النبی لستن كأحد من النساء إن اتقین (احزاب، ۳۳/۳۲) آورده است که خداوند زنان پیامبر را بر همه زنان ترجیح داده ، به شرط تقوا و ادامه داده که تقوا هم برای همه آنان حاصل شد و بنا بر این ، آنان بر همه زنان برتری یافتند . اما با این همه از عموم آیه گذشته و زنانی از جمله فاطمه را استثنا کرده و نوشته است :

الا انه يخرج من هذا العموم ، فاطمة بنت رسول الله و مریم بنت عمران و آسیة امرأة فرعون لشهادة رسول الله لكل واحدة منهن بأنها سيدة نساء عالمها ؛ ۵۲ اما از این عموم ، فاطمه دختر پیامبر خدا ، مریم دختر عمران ، آسیه همسر فرعون ، خارجند به دلیل فرموده پیامبر خدا که هر یک از اینها را بانوی زنان دوران خود یاد کرده است .

یاد آوری این نکته می تواند به روشن شدن بهتر موضوع کمک کند که در این گفته از تعبیر سیده نساء عالمها یاد کرده که نشان می دهد مراد او از بانوی برتر ، برتری او به زنان دوران خود است و نه بیشتر و فراگیر .

۱ . برای نمونه نگاه کنید به : المفخرة بين الدمشق و قاهرة نوشته شمس الدین ابویوسف محمد بن احمد البساطی (۷۵۶ - ۸۴۲)؛ تنبيه و سن العین فی المفخرة بين السبطين ، اثر نجم الدین محمد بن علی عاملی کرکی ؛ المفخرة بين السیف و القلم ، تألیف ابوحفص احمد بن محمد اندلسی ؛ زهر الجنان فی المفخرة بين القنديل و الشمعدان ، نگاشته تاج الدین عبدالباقی بن عبدالمجید یمانی (م ۷۴۳) ؛ الطرازین المعلمین فی بنی السبطين تألیف سید جمال ضیا الدین الهادی



- الصنعانی (م ۷۸۴) .
۲. کنز العمال، ۱۰/۶۱۴ .
۳. المعجم الكبير، ۲۳/۳۹۷ .
۴. الجامع لاحكام القرآن، ۱۴/۲۴۱ .
۵. آل عمران، آیه ۶۱ .
۶. احزاب، آیه ۳۳ .
۷. شوری، آیه ۲۳ .
۸. انسان، آیات ۵-۱۰ .
۹. احزاب، آیه ۵۳ .
۱۰. المحرر الوجیز / ۳۹۶ .
۱۱. الجامع لاحكام البیان، ۱۴/۳۰؛ روح المعانی، ۲۲/۷۵؛ البحر المحيط، ۷/۲۳۸ .
۱۲. البحر المحيط، ۲/۲۳۸ .
۱۳. الجامع لاحكام القرآن، ۱۴/۲۳۰ .
۱۴. همان، ۱۰/۳۸۱ .
۱۵. المستدرک، ۱/۱۷۷ .
۱۶. تلخیص الحبیر، ۵/۲۴۸ .
۱۷. السنن، ۴/۷۸ .
۱۸. وَإِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبَّهُ بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَمَّنَّ . بقره، آیه ۱۲۴ .
۱۹. الجامع لاحكام القرآن، ۲/۱۰۱ .
۲۰. الجامع لاحكام القرآن، ۱۲/۲۷۳ .
۲۱. تفسیر القرآن العظیم، ۳/۳۰۵ و ۵۲۱ .
۲۲. التفسیر الكبير، ۴/۱۵ .
۲۳. روح المعانی، ۱۵/۱۹۶ .
۲۴. البحر المحيط، ۲/۱۰۹؛ المحرر الوجیز، ۱/۱۰۰ .
۲۵. همان، ۲/۱۲۱ .
۲۶. الجامع لاحكام القرآن، ۸/۳۰۱ .
۲۷. التفسیر الكبير، ۱۵/۲۳۶ .
۲۸. الجواهر الحسان، ۵/۲۲۱ .
۲۹. التفسیر الكبير، ۲۲/۱۳۷ .
۳۰. الدر المنثور، ۶/۴۰۷؛ تفسیر القرآن العظیم، ۴/۶۰۰ .
۳۱. تفسیر القرآن، سمعانی، ۴/۱۶۷ .
۳۲. وَكَفَلَهَا زَكْرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا زَكْرِيَّا أَنَّىٰ لَكَ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . آل عمران، آیه ۳۷ .
۳۳. ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، ۲/۳۰ .
۳۴. تفسیر بیضاوی، ۲/۳۴ .
۳۵. روح المعانی، ۳/۱۴۱ .
۳۶. الكشف و البیان، ۳/۵۷ .
۳۷. روح المعانی، ۳/۱۴۱ .
۳۸. التفسیر الكبير، ۸/۳۱ و ۳۲ .
۳۹. الكشف و البیان، ۳/۵۹؛ تفسیر البيضاوی، ۲/۳۵؛ البحر المحيط، ۲/۴۶۲؛ الدر المنثور، ۲/۲۰؛ روح المعانی، ۳/۱۴۱؛ ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم، ۲/۳۰ .
۴۰. برای نمونه بنگریه به چند نمونه از آثار پیشینیان درباره مناقب فاطمه سلام الله عليها: باب مناقب فاطمة در الصحیح بخاری، ۴/۲۱۹؛ و نیز همین عنوان در مجمع الزوائد، ۹/۲۱۰؛ و نیز در تغلیق التعلیق، ۴/۶۹؛ و نیز در عمدة القاری، ۱۶/۲۴۹؛ کتاب فضائل فاطمة از حاکم نیشاوری؛ نیز فضائل فاطمة الزهراء از ابن شاهین و مسند فاطمة الزهراء از جلال الدین سیوطی .
۴۱. الجامع لاحكام القرآن، ۴/۸۳ .
۴۲. همان، ۴/۸۴ .
۴۳. الجامع لاحكام القرآن، ۴/۸۳ .
۴۴. البحر المحيط، ۱/۴۷۷ .
۴۵. تفسیر الكبير، ۲/۲۳۳ .
۴۶. جامع البیان، ۳/۳۵۹ .
۴۷. روح المعانی، ۳/۱۵۵ و ۱۵۶ .
۴۸. همان، ۲۲/۳ .
۴۹. همان، ۲۸/۱۶۴ .
۵۰. إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا (احزاب، ۳۳) .

٥١. إن الأثيرا يشربون من كأس كان مزاجها كافورا(انسان، آية ٥) وجزهم بما صبروا جنة وحريرا(انسان، آية ١٢).

٥٢. التسهيل لعلوم التنزيل ، ١٣٧/٣ .

### منايع و مؤاخذ

. ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم ، ابوالسعود محمد بن محمد العمادى ، بيروت ، دار احيا التراث العربى .

. البحر المحيط ، محمد بن يوسف بن حيان الاندلسى الجيانى ، تحقيق الشيخ عادل احمد عبدالموجود ، و الشيخ على محمد معوض ، بيروت : دارالكتب العلمية ، ١٤٢٢ .

. التسهيل لعلوم التنزيل ، ابوالقاسم بن احمد بن محمد بن الجزى القرناطى الكلبي ، دارالكتاب العربى ، ١٤٠٣ .

. تعليق التعليق على صحيح البخارى ، احمد بن على بن حجر العسقلانى ، تحقيق سعيد بن عبدالرحمن موسى القرظى ، الاردن ، دارالكتب الاسلامى ، ١٤٠٥ ،

. تفسير القرآن ، منصور بن محمد السمعانى ، تحقيق ياسر بن ابراهيم و غنيم بن عباس ، دار الوطن و الرياض ، ١٤١٨ .

. تفسير القرآن العظيم ، ابوالفداء اسماعيل بن كثير ، دارالمعرفة ، ١٤١٢ .

. التفسير الكبير ، فخر الدين محمد بن عمر الرازى ، دار احيا التراث العربى ، بى تا ، چاپ دوم .

. تلخيص الحبير فى تخريج الرافعى الكبير ، احمد بن على بن حجر العسقلانى ، دارالفكر .

. الجامع لاحكام القرآن ، محمد بن احمد انصارى قرطبي ، تحقيق احمد عبدالعليم البردونى ، دار احيا التراث العربى ، ١٤٠٥ .

. جامع البيان عن تأويل آى القرآن ، تحقيق صدقى جميل العطار ، أبو جعفر محمد بن جرير الطبرى ، دارلفكر للطباعة و النشر ، ١٤١٥ .

. الجواهر الحسان فى تفسير القرآن ، عبدالرحمن بن مخلوف الثعالبي ، تحقيق عبدالفتاح ابو السنه و الشيخ على محمد معوض و الشيخ عادل احمد عبدالموجود ، داراحيا التراث العربى ، ١٤١٨ .

. الدرّ المشور فى التفسير بالمأثور ، جلال الدين

عبدالرحمن بن ابى بكر السيوطى ، بيروت ، دارالفكر .

. روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم و السبع المثانى ، شهاب الدين السيد محمود الألوسى البغدادى ،

. السنن الكبرى ، أبو بكر أحمد بن الحسين بيهقى ، دارالفكر .

. الصحيح ، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخارى الجعفى ، دارالفكر ، ١٤٠١ .

. عمدة القارى فى شرح البخارى ، بدرالدين محمد بن احمد بن موسى العيني ، بيروت ، دار احيا التراث العربى .

. فضائل فاطمة الزهراء ، ابوحفص عمر بن احمد المعروف بابن شاهين ، تحقيق محمد سعيد الطريحي ، مؤسسة الوفا ، ١٤٠٥ .

. الكشف و البيان ، احمد بن محمد الثعلبى ، تحقيق ابى محمد بن عاشور ، دار احيا التراث العربى ، ١٤٢٢ .

. كنز العمال ، المتقى الهندى ، تحقيق الشيخ بكرى حيانى ، الشيخ صفوة السقا ، مؤسسة الرسالة ، ١٩٤٨ .

. مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، على بن ابى بكر بن سليمان الهيثمى ، بيروت ، دارالكتب العلمية ، ١٤٠٨ .

. المحرر الوجيز فى تفسير كتاب الله العزيز ، ابن عطيه ، تحقيق عبدالسلام عبدالشافى محمد ، دارالكتب العلمية ، ١٤١٣ / ١٩٩٣ .

. مسند فاطمة الزهراء رضى الله عنه ، جلال الدين عبد الرحمن بن ابوبكر السيوطى ، تحقيق حافظ عزيز بيك ، هند ، المطبعة العزيزية ، ١٤٠٦ .

. المعجم الكبير ، ابوالقاسم سليمان بن احمد الطبرانى ، تحقيق حمدى عبدالمجيد السلفى ، دار احيا التراث العربى .